


تبیین و تاثیر کمال جوئی بر شیوه فرزندپروری با تاکید بر آموزه‌های نهج البلاغه

اصغر رجبی ده‌برزویی 

استادیار، گروه معارف، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. rajabai@iau-mb.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر کمال جوئی بر شیوه فرزندپروری، با تاکید بر آموزه‌های نهج البلاغه است؟ با استفاده از روش تحلیل مضمون، داده‌های حاصل از بیانات امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه مفهوم‌سازی شد. براساس این مفاهیم، مضامین اولیه (استواری، صداقت، نیت سالم، خویشتن، شخصیت، آمادگی، پذیرش، استحقاق، آموزش، وفاق، ارتباط سازنده)، و مضامین سازمان‌دهنده (استحکام، تثبیت، تربیت، سرشت، منش، شایستگی، قابلیت، کمال، لیاقت، پیوستگی، مراوده) به دست آمد. با ترکیب و ادغام مضامین سازمان‌دهنده نزدیک به هم، پنج مضمون فراگیر شامل تحکیم خانواده، بالندگی شخصیت، شکوفایی استعدادها، ارتقاء قابلیت‌های اجتماعی و توسعه ارتباطات انسانی با تاکید بر آموزه‌های نهج البلاغه استخراج گردید.

کلیدواژه‌ها: ارتباطات انسانی، شخصیت، خانواده، فرزندپروری، کمال جوئی، نهج البلاغه، امام علی (ع).

استناد به این مقاله: رجبی ده‌برزویی، اصغر (۱۴۰۲). تبیین و تاثیر کمال جوئی بر شیوه فرزندپروری با تاکید بر آموزه‌های نهج البلاغه. تربیت متعالی، ۱۱۱-۱۳۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۰۳
ناشر: مرکز تربیت معلم مبلغ نوع مقاله: پژوهشی <https://tarbiyatmotali.ismc.ir/> © نویسنده‌گان



۱. مقدمه

خانواده از عوامل مهم و بسیار مؤثر در تربیت انسان است، که ازدواج نخستین مرحله (بهجت‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷) و فرزندآوری، مرحله بعدی شکل‌گیری آن است. بدیهی است تربیت فرزند نیز سومین مرحله تکامل خانواده به‌شمار می‌رود؛ که هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ کیفیت تأثیر، خانواده مهم‌ترین محیط برای شکوفایی استعدادها و مختلف فرزند است. روابط والدین با فرزندان در محیط خانواده، عنصری اساسی برای رشد و تربیت فرزندان در تمام ابعاد وجودی آنان است. با توجه به اینکه پژوهش‌های مربوط به فرزندپروری غالباً در کشورهای غربی صورت گرفته‌اند، در علم روان‌شناسی نیز، فرزندپروری به شیوه غالب بر تربیت فرزند از سوی والدین تأکید می‌کند که آن را متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌داند و شیوه‌های رایج فرزندپروری را در سه دسته مقتدرانه، سخت‌گیرانه، و سهل‌گیرانه تقسیم می‌کند.

تربیت فرزند از بنیادی‌ترین مسائل تربیتی شمرده می‌شود و سنگ زیرین تربیت‌های بعدی است؛ به همین جهت، در دین مقدس اسلام و سخنان معصومین، مخصوصاً امیرمؤمنان(ع)، بسیار بر این امر تأکید شده است. در این بین، نهج‌البلاغه سرشار از نکات تربیتی است؛ یعنی بیش از هرچیز دیگر، راهکارهای تربیتی ارائه می‌کند و برای کسی که می‌خواهد تربیت شود یا تربیت کند، بهترین و روشن‌ترین منبع است؛ به طوری که امام علی(ع) در خصوص فرزندپروری می‌فرماید: «حق فرزند بر پدر این است که اسم نیکو برای او انتخاب کند، نیکو تربیتش نماید و به او قرآن بیاموزد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۹).

خداوند کمال‌خواهی را به عنوان یکی از مبانی انسان‌شناختی در نهاد انسان به ودیعه گذارده است؛ بنابراین، انسان استعداد رسیدن به قرب الهی را دارد و این امر با تربیت حقیقی امکان‌پذیر است. لذا، برای یک فرد مسلمان ضروری است که بداند این کمال‌خواهی چه تأثیری بر ایجاد نهاد خانواده دارد، تا بر طبق آن عمل و رفتار کند و به سعادت دنیوی و اخروی نائل گردد. چون بدون شناخت صحیح، دست یافتن به این مطلوب امکان‌پذیر نیست. در این راستا، پژوهش حاضر ابتدا کمال انسان و سپس نهاد خانواده را از نگاه نهج‌البلاغه بررسی می‌کند، تا بتواند نقش و تأثیر این نوع کمال‌جویی را در کارکردها و بخش‌های مختلف و اساسی نهاد خانواده تبیین نماید.

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که تبیین کمال‌جویی بر شیوه فرزندپروری با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه چگونه است؟ با استفاده از روش تحلیل مضمون، داده‌های حاصل از بیانات امیرالمومنین(ع) در نهج‌البلاغه مفهوم‌سازی شده است. بر اساس این مفاهیم، مضامین اولیه (استواری، صداقت، نیت سالم، خویشتن، شخصیت، آمادگی، پذیرش، استحقاق، آموزش، وفاق، ارتباط سازنده) و

مضامین سازمان‌دهنده (استحکام، تثبیت، تربیت، سرشت، منش، شایستگی، قابلیت، کمال، لیاقت، پیوستگی، مرادده) به دست آمد. با ترکیب و ادغام مضامین سازمان‌دهنده نزدیک به هم پنج مضمون فراگیر شامل تحکیم خانواده، بالندگی شخصیت، شکوفایی استعدادها، ارتقاء قابلیت‌های اجتماعی و توسعه ارتباطات انسانی با تاکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه استخراج گردید.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص شیوه فرزندپروری از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه‌ای چندین‌گانه یافت نشد. اما در خصوص تبیین کمال‌جویی در شیوه‌های فرزندپروری، پژوهش‌هایی انجام شده که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

مداحی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «بررسی شیوه‌های فرزندپروری از دیدگاه نهج‌البلاغه، بر لزوم بهره‌گیری والدین از سبک‌های فرزندپروری مناسب و مفید تأکید می‌کند.

جهانگیرزاده، صادقی سرشت و حسن شکری (۱۳۹۸)، نیز در تحقیقی با عنوان «رابطه دینداری و کمال‌گرایی والدین با سبک فرزندپروری والدین»، نشان دادند که رابطه دینداری با فرزندپروری سهل‌گیرانه یا آمرانه، معنادار و معکوس است. همچنین میان دینداری و کمال‌گرایی با فرزندپروری مقتدرانه، رابطه معناداری وجود ندارد.

پناهی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «معرفی سبک فرزندپروری بامریند و ارزیابی آن با نگاهی به گزاره‌های اخلاقی اجتماعی اسلامی»، نشان داد که سبک فرزندپروری دارای ویژگی‌هایی است که در سبک فرزندپروری بامریند،^۱ بسیار کم‌رنگ بوده یا ملاحظه نشده است؛ از جمله: بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و تفاوت‌های فرزندان، غفلت از اصل جامع‌نگری، عدم توجه به هنجارهای متفاوتی و الهی و

یافته‌های پژوهش فرندیان، اسدزاده و ابراهیمی قوام (۱۳۹۲) با عنوان «رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی و خودتنظیمی و مقایسه آن در دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند»، حاکی از آن است که تعامل عاطفی والدین با فرزندان، تأثیر قابل توجهی بر رشد مهارت‌های خودتنظیمی و کمال‌گرایی فرزندان دارد و از آنجا که والدین، اولین معلمان و نخستین الگوهای فرزندان هستند؛ تأثیرپذیری فرزندان از والدین در اوایل کودکی بسیار زیاد است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش برحسب نوع داده‌ها، کیفی، و برحسب نتیجه، توسعه‌ای و برحسب هدف، پژوهشی-

اکتشافی است. همچنین تحقیق حاضر از نوع تحقیقات نظری است که در آن محقق بدون داشتن یک هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه می‌پردازد. در این تحقیق با توجه به ضرورت استنباط از مهم‌ترین منبع روایی (نهج البلاغه)، ابتدا روش اسنادی و مطالعه نظری به کار گرفته شد. در ادامه از بین راهبردهای متنوع پژوهش کیفی، از راهبرد تحلیل مضمون با سبک اترید- استرلینگ^۱ شده است (حکاک و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۲). بنابراین، قضاوت محقق در رابطه با اینکه مضمون چیست؟ کاملاً ضروری است. از تحلیل مضمون می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به صورت سلسله مراتبی نشان می‌دهد. در نهایت شبکه مضامین براساس یک رویه مشخص، این مضامین را نظام‌مند می‌کند: مضامین اصلی؛ مضامین سازمان‌دهنده؛ مضامین فراگیر. سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هر یک از این سه سطح، همراه با روابط میان آنها، مانند نگاره نشان داده می‌شود. برای انجام نظام‌مند مراحل تحلیل مضمون از نرم‌افزار مکس کیودی^۲ که یک نرم افزار تحلیل کیفی است، استفاده شد. واحد تحلیل در این پژوهش بیانات امام علی (ع) مرتبط با کمال جوئی در شیوه فرزندپروری می‌باشد. همچنین تلاش شده است با رویکرد استقرایی داده‌های مرتبط استخراج شود و در قالب جدول ارائه گردد و سپس مفاهیم مرتبط توسط عبارتی کوتاه و توصیف‌کننده (کد) بیان شود.

۴. یافته‌های پژوهش

با بررسی و مطالعه دقیق آموزه‌های نهج البلاغه در مرحله اول، کدهایی استخراج شد. در مرحله بعد با ترکیب و مقایسه مستمر کدها، ۱۱ مقوله فرعی بدست آمد و پس از بررسی و سنخ‌سنجی مؤلفه‌ها، پنج مقوله اصلی تبیین کمال جوئی در شیوه فرزندپروری در آموزه‌های نهج البلاغه، شامل تحکیم خانواده، بالندگی شخصیت، شکوفایی استعدادها، ارتقاء قابلیت‌های اجتماعی و توسعه ارتباطات انسانی طراحی شد. برای سنجش پایایی پژوهش، نمونه‌هایی از متن مورد تحلیل انتخاب و مجدداً کدگذاری شد. برای حصول اطمینان از اعتبار و روایی پژوهش علاوه بر بررسی مقوله‌ها و شاخص‌ها، نظرات و رهنمودهای برخی از استادان دانشگاه نیز مورد توجه قرار گرفت. در نهایت، مقوله‌های اصلی در قالب شبکه مقوله‌ها با یکدیگر مرتبط شدند و بدین ترتیب، الگوی مفهومی تبیین کمال جوئی بر شیوه فرزندپروری با تأکید بر آموزه‌های نهج البلاغه استخراج شد. سیر شکل‌گیری این الگو، جداول نمونه کدگذاری‌ها و شکل‌گیری

1. Ethereum-Sterling

2. Max QD

مقوله‌های فرعی و اصلی در جدول‌های (۲، ۳ و ۴) آمده است.

جدول ۲ - بخشی از مضامین اصلی استخراج شده از نهج البلاغه در خصوص کمال جویی در شیوه فرزندپروری

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون اولیه (اصلی)	بیانات امام علی(ع) در نهج البلاغه (متن/مضمون)
استحکام تثبیت تربیت	استواری صداقت نیت سالم	«آنگونه که پدری مهربان، نیکی‌ها را برای فرزندش می‌پسندد، من نیز بر آن شدم تو را با خوبی‌ها تربیت کنم؛ زیرا در آغاز زندگی قرار داری و نیتی سالم و روحی باصفا داری» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).
سرشت منش	خوبستن شخصیت	«همان‌گونه که تو درباره خوبستن می‌اندیشی، نسبت به خودشان می‌اندیشند و تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند، انتخاب کنند» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).
شایستگی قابلیت	آمادگی پذیرش	«قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود؛ پاشیده شود، پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).
کمال لیاقت	استحقاق آموزش	«در آغاز تربیت تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام، را به تو تعلیم دهم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).
پیوستگی مراوده	وفاق ارتباط سازنده	«نیکوکار باش، آنگونه که دوست داری به تو نیکی کنند، و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری، برای خود نیز زشت بشمار، و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

جدول ۳ - مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با نهج البلاغه در خصوص کمال جویی در شیوه فرزندپروری

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	کدهای مربوطه به بیانات امام علی(ع) در نهج البلاغه
۱	استحکام	(حکمت ۳۵۹، ۲۳۸، ۱۳۱؛ نامه ۳۱؛ خطبه، ۱۹۸)
۲	تثبیت	(خطبه ۱۰۹؛ حکمت ۳۸۳، ۲۴۵، ۳۸۶؛ نامه ۳۱)
۳	تربیت	(نامه ۳۱، ۲۸؛ خطبه ۳۲، ۲۹؛ حکمت ۳۶۵)
۴	سرشت	(حکمت ۴۴۹، ۲۰، ۲۲۲؛ خطبه ۷۲، ۴۹)
۵	منش	(حکمت ۴۳۶، ۲۴۷، ۲۰، ۱۷۶؛ نامه ۳۱)
۶	شایستگی	(خطبه ۱۷۶، ۱۰۹؛ نامه ۳۱؛ حکمت ۲۷۳، ۳۸۶)
۷	قابلیت	(خطبه ۱۱۹، ۲۲۴، ۲۰۱، ۱۲۴؛ نامه ۳۱)
۸	کمال	(خطبه ۱۷۶، ۲۴، ۲۰۱، ۳۷؛ نامه ۳۱)
۹	لیاقت	(نامه ۳۱، ۵۳؛ خطبه ۲۳، ۱۷۶، ۱۸۹)
۱۰	پیوستگی	(خطبه ۱۰۹، ۵۰، ۷، ۸۶؛ نامه ۳۱)
۱۱	مراوده	(خطبه ۱۸۱؛ حکمت ۳۵۹، ۷۲؛ نامه ۳۱، ۴۱)

جدول ۴ - مضامین فراگیر در نهج البلاغه در خصوص کمال‌جویی در شیوه فرزندپروری

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	تبيين و تأثير کمال‌جویی بر شیوه فرزندپروری با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه
استحکام تثبیت تربیت	تحکیم خانواده	
سرشت منش	بالتدگی شخصیت	
شایستگی قابلیت	شکوفایی استعدادها	
کمال لیاقت	ارتقاء قابلیت اجتماعی	
پیوستگی مراوده	توسعه ارتباطات انسانی	

۴-۱. نهاد خانواده در اسلام

در نظام اجتماعی اسلام، نهاد خانواده، هسته اصلی تشکیل جامعه اسلامی است. تشکیل خانواده و تلاش برای این منظور نیز، مورد تأکید و تأیید قرآن و روایات بوده و به دلیل همین مقام والای پیوند مقدس زوجیت، پیامبر (ص) فرمودند: «ما بُنی فی الاسلام بناء أَحَبَّ الی الله عَزَّ وَجَلَّ من التزوِج؛ هیچ بنایی در اسلام، محبوب‌تر از ازدواج (تشکیل خانواده) در نزد خداوند بزرگ نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۰، ص ۲۲۲). اسلام در پی آن است که انسان‌ها براساس تأمین مصالح مادی و معنوی‌شان با هم متحد شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۰۱)؛ زیرا خانواده، مهم‌ترین عامل در تکوین ساختار جسمی، روحی و روانی فرزندان است و در حقیقت، سکوی پرتاب آنان به سوی خوبی‌ها یا بدی‌ها است. زن و مرد با پرورش نسل پاک و شایسته، بزرگ‌ترین خدمت را به جامعه بشری عرضه می‌دارند و بهترین ذخیره را برای دنیا و آخرت خویش فراهم می‌کنند. والدین در صورتی در تربیت فرزند موفق می‌شوند که با برنامه‌ریزی، دقت، همکاری و همدلی، به پسندیده‌ها ملتزم باشند، ستوده‌ها را به‌جا آورند و ناپسندها را ترک کنند. و تمامی این موارد را در برابر چشمان فرزندان خود انجام دهند (جباران، ۱۳۹۲، ص ۴۴۲-۴۴۳).

قرآن، رابطه زن و شوهری و تشکیل خانواده را مایه سکون و آرامش زن و مرد می‌داند و این آرامش‌بخشی را از آیات و نشانه‌های عظمت و قدرت خداوند به حساب می‌آورد؛ بدین معنا که زن و مردی که هیچ تعلق عاطفی و روحی به یکدیگر ندارند، در سایه کمال‌خواهی، با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند و در پرتو ایجاد تعلق روحی، آرامش‌بخش یکدیگر می‌شوند؛ زیرا هریک از مرد و زن به تنهایی ناقص و نیازمند به دیگری است و در خانواده این نقص طرفین برطرف می‌شود و یک واحد کامل آرامش‌بخش برای آنان پدید می‌آید

(خسروشاهی و دانش‌پژوه، ۱۳۷۸، ص ۱۵۴). بنابراین، کمال‌خواهی انسان از نگاه دین اسلام، او را به سمت ازدواج سوق می‌دهد. لذا، هدف از نهاد خانواده اسلامی آن است که افراد در آن رشد و تکامل یابند.

۲-۴. کمال‌خواهی انسان

وقتی از تکامل انسان سخن گفته می‌شود، منظور تکامل در انسانیت و ارزش‌های انسانی است؛ بدین معنا که انسان در ویژگی‌های خاص انسانی همچون حقیقت‌جویی، خیر، فضیلت اخلاقی، عشق و پرستش خدا، به درجات و مراتب بالایی دست یابد که پیش‌تر واجد آن نبوده است (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۵۳۵). کمال‌نهایی انسان آخرین مرتبه کمالات نوع انسانی است؛ هرچند تنها اندکی از افراد این نوع، بدان مقصد عالی می‌رسند (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۸۱). اسلام، مصداق این کمال‌نهایی را قرب به خدا می‌داند که همه کمالات جسمی و روحی، مقدمه رسیدن به آن محسوب می‌شوند و انسانیت انسان در گرو دستیابی به آن است. کمال‌نهایی بالاترین، ناب‌ترین، گسترده‌ترین و پایدارترین لذتی است که انسان تجربه می‌کند؛ زیرا حاصل آن، رسیدن به مقام قرب الهی است. نقطه اوج قرب به خدا، مقامی است که در آن، انسان به ذات اقدس الهی رهنمون می‌شود؛ در جوار رحمت الهی استقرار می‌یابد؛ چشم و زبان او می‌شود و به اذن خدا کارهای خدایی می‌کند. قرب الهی مطلوب و کمال‌نهایی انسان بوده و مقصود آن است که انسان در اثر اعمال شایسته، برخاسته از ایمان و همراه با تقوا، ارتقای وجودی می‌یابد و حقیقت وجودی او متعالی‌تر می‌شود (رجبی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۴). این مرتبه از کمال‌نهایی از دیدگاه اسلام در رشد عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی است که از راه تحصیل علوم، کسب ملکات فاضله، مهارت‌های اجتماعی و بین‌فردی به دست می‌آید. هدف‌نهایی، تربیت انسانی است که مطیع پروردگار و تسلیم در آستان او باشد. امیرمؤمنان علی(ع) در ضمن حدیثی، هدف‌نهایی از تربیت را به طور غیرمستقیم اینگونه بیان می‌کند: «من از خداوند خویش طلب فرزندان زیبا چهره و نیکو قامت ننموده‌ام، بلکه از پروردگارم خواسته‌ام، تا فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند، تا اینکه وقتی با این صفات به آنها نظر افکنم، مایه چشم‌روشنی من باشند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۱۳۳).

کمال‌خواهی انسان، او را به سمت همکاری و تشریک مساعی زوجین می‌کشاند. اسلام، از آنجا که بنیان خود را بر تعالیم صریح و روشن قرآن و سیره هدایت بخش زندگی پیامبر(ص) استوار ساخته، مبانی نظری میان دو جنس مونث و مذکر را بسط و تفصیل داده و قواعد و هنجارهایی را تدوین و تنظیم کرده است که این دو جنس می‌بایست در نظام اجتماعی، مطابق با آنها زندگی کرده و با یکدیگر تشریک مساعی کنند (نصر، ۱۳۸۶، ص ۸۵). یکی از اصول تربیتی، اصل کمال‌پذیری است. از آنجا که انسان موجودی کمال‌گرا است، پس این کمال‌گرایی در همان ابتدای زندگی در کودکان باید به سوی نیکی‌ها و خوبی‌ها

سوق پیدا کند تا سبب رشد فرزند شود. درحقیقت وظیفه والدین این است که ویژگی کمال‌گرایی و کمال‌پذیری در فرزندان را در مسیر صحیح و خداپسندانه قرار دهند.

۳-۴. شیوه‌های فرزندپروری

فرزندپروری در اصطلاح رایج، بر تربیت فرزندان از سوی والدین اشاره دارد و بر چگونگی رشد و تکوین شخصیت کودکان تأثیر بسزایی دارد. در کشورهای غربی، تحقیقات گسترده‌ای در مورد شیوه‌های فرزندپروری و پیامدهای آن صورت گرفته که درنهایت، سه شیوه فرزندپروری مطرح شده است: فرزندپروری مقتدرانه، فرزندپروری سخت‌گیرانه، فرزندپروری سهل‌گیرانه. این طبقه‌بندی بر پاسخ‌دهی و تقاضاهای والدین مبتنی است. والدین ممکن است در کوشش برای کشف بهترین روش، دچار ناکامی یا موفقیت شوند. لذا می‌توان نحوه ارتباط والدین با فرزندان و شیوه‌های تربیتی آنها را در سه دسته توصیف کرد.

۱-۳-۴. والدین سهل‌گیر

در این شیوه فرزندپروری، والدین درخواست و انتظارات کمی از فرزندان دارند؛ به آنان اجازه می‌دهند بی‌هیچ قید و بندی احساسات خود را ابراز کنند؛ فعالیت‌های کودکان را زیر نظر ندارند و به ندرت کنترل مناسبی بر رفتار آنان دارند. این شیوه، تأثیرات مهمی بر بهداشت روانی کودکان دارد؛ به این مفهوم که فرزندان خانواده سهل‌گیر غالباً پرخاشگر، نافرمان، دارای اعتماد به نفس و خویشتن‌داری پایین، سلطه‌جو و بی‌هدف هستند و موفقیت و پیشرفت کم‌تری دارند (سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۱۷). والدین سهل‌گیر انتظارات مشخصی از فرزندان خود ندارند و معمولاً به صورت مبهم با فرزندان خود صحبت می‌کنند (ماسن و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵۵۳). این والدین کاملاً بخشنده هستند و نگرش آنها بر این مبنا است که بچه‌ها باید بچگی کنند. در نتیجه، پیامدهایی که برای رفتارهای نامطلوب کودکان خود در نظر می‌گیرند، اجرا نمی‌کنند. آنها در مقابل فرزندان خویش صمیمی و پاسخ‌گو هستند، اما انتظارات روشنی از آنها ندارند و رفتار فرزندان را هدایت نمی‌کنند. همچنین آنان نظارت تربیتی کم‌تری روی فرزندان دارند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، نوجوانانی که به شیوه آسان‌گیری پرورش یافته‌اند، نسبت به نوجوانانی که والدینشان از روش مناسب استفاده می‌کنند، کم‌تر در یادگیری کلاس شرکت می‌کنند. از دیدگاه اسلام، والدین عنصری اساسی برای رشد و تربیت فرزندان در تمام ابعاد وجودی می‌باشند و سهل‌گیری در این امر، اثرات زیانباری برای فرزندان به بار می‌آورد.

۲-۳-۴. والدین سخت‌گیر

در این شیوه فرزندپروری، والدین الگوهای سخت‌گیرانه‌ای دارند؛ به گونه‌ای که بسیاری از قواعد را بر

فرزندان تحمیل می‌نمایند و از آنان انتظار اطاعت دقیق دارند. آنان به ندرت برای فرزندان چرایی لزوم پیروی از قواعد را توضیح می‌دهند و اغلب از شیوه‌های اعمال فشار استفاده می‌کنند. این شیوه تأثیرات مهمی بر بهداشت روانی کودکان دارد. فرزندان خانواده‌های سخت‌گیر، قدرت‌طلب، تحریک‌پذیر، ترسو، نگران، زودرنج، آسیب‌پذیر در برابر فشارهای روانی، دمدمی مزاج، غمگین، بی‌هدف، عبوس، بد خلق و غیردوستانه پرورش می‌یابند (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۱۷).

والدینی که شیوه سخت‌گیرانه را به‌کار می‌برند، متوقع نیز هستند. هرگاه فرزند حرف والدین را بدون چون و چرا نپذیرد، متوسل به زور و تنبیه خواهد شد. فرزندان والدین مستبد، مضطرب، گوشه‌گیر و غمگین هستند. این کودکان در تعامل با همسالان در صورت ناکامی، دشمنی و خصومت از خود نشان می‌دهند؛ به خصوص پسرها عصبانیت و مبارزه‌طلبی بالایی دارند و دخترها وابسته و فاقد روحیه کنجکاوی هستند و از برخورد با مسئولیت طفره می‌روند (برک، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۰۱). در این شیوه تربیتی، فرزندان در محیط خانواده با محدودیت‌های شدیدی روبه‌رو هستند و حق اظهارنظر ندارند (شریعتمداری، ۱۳۷۸، ص ۲۱۰). والدین مستبد این گونه معروف هستند که وقتی کودک دلایل یک قانون را زیر سوال می‌برد، می‌گویند: «حرف، حرف من است». به عبارت روشن‌تر، والدین علاقه‌ای به مذاکره ندارند و بر اطاعت مطلق فرزندان متمرکز هستند. این والدین به فرزندان خود اجازه درگیر شدن در چالش‌ها و موانع را نمی‌دهند. قوانین را وضع می‌کنند و عواقب آن را بدون توجه یا توجه اندک به نظر کودک، اجرا می‌کنند.

۳-۳-۴. والدین مقتدر

در این شیوه فرزندپروری، والدین واقعیت‌ها و بینش‌های شناختی را به کودکان خود منتقل می‌سازند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودک و رد کردن یک رهنمود از خود نشان می‌دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع‌سازی از استدلال و منطق بهره می‌جویند. والدین قاطع و اطمینان‌بخش، به تلاش‌های کودکان جهت جلب حمایت و توجه پاسخ می‌دهند و از تقویت‌های مثبت بیشتری استفاده می‌کنند.

والدین مقتدر شیوه‌ای منعطف دارند که در آن به فرزندان آزادی عمل می‌دهند، در عین حال محدودیت‌هایی بر آنان اعمال می‌کنند؛ اما دلایل آن را برای فرزندان برمی‌شمارند. والدین مقتدر پاسخگویی نیازها و دیدگاه‌های فرزندان هستند و فرزندان را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی دخالت می‌دهند. آنها در صورت لزوم از اعمال قدرت استفاده می‌کنند و برای این کار نیز استدلال ارائه می‌دهند. این شیوه تربیتی، تأثیرات مهمی بر بهداشت روانی کودکان دارد؛ به طور مثال، فرزندان خانواده مقتدر از افرادی پر توان و خون‌گرم، متکی به نفس و خویشتن‌دار، دارای انرژی زیاد، دارای توان مواجهه مناسب با فشار روانی، دارای

روابط دوستانه با سایرین، کنجکاو، هدفمند و دارای انگیزه پیشرفت هستند (سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۱۷). والدین مقتدر قوانینی دارند و برای نقض قوانین پیامدهایی در نظر می‌گیرند. آنها به نظرات فرزندان خود اهمیت می‌دهند و بیشتر زمان و انرژی خود را صرف پیشگیری از مشکلات رفتاری می‌کنند. آنها از استراتژی‌های انضباطی مثبت برای تقویت رفتارهای مثبت استفاده می‌کنند. هرچه سبک فرزندپروری مقتدرانه و الگوی ارتباط در خانواده، همتراز یا نرمال‌تر باشد، انسجام یا تحکیم خانواده بیشتر است.

۴-۴. تبیین و تاثیر کمال‌جویی بر شیوه فرزندپروری با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه

پیامبران و اهل‌بیت (ع) بهترین الگو برای تربیت انسان‌ها هستند. محبت به اهل‌بیت (ع) و اطاعت از آنان، در نهایت باعث شکل‌گیری دوستی الهی در وجود آنان می‌شود؛ زیرا فرزندان با داشتن محبت اهل‌بیت (ع) در دل به آنها تاسی می‌کنند و خود را هم‌رنگ و مشابه آنان می‌سازند (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۲). اگرچه فرزندآوری فرایندی غایتمند و هدفدار است، اما چون والدین در مرحله تربیت فرزند اهداف جدی‌تری دارند، پس می‌بایست به مقتضای سن کودک از شیوه‌های خاصی در تربیت وی بهره‌جویند. نظر به این واقعیت که آدمی تنها آفریده‌ای است که دارای توانایی تعلیم و تربیت است (کانت، ۱۳۷۴، ص ۵۴)، ضرورت دارد برای هر مرحله از رشد و تحول کودک، مقاصدی در نظر گرفته شود تا با رسیدن به آنها بتواند به نهایت کمال آدمی که رسیدن به حیات طیبه در پرتو ایمان و عمل صالح است، نائل گردد. در ادامه به برخی از این اهداف اشاره می‌شود.

۴-۴-۱. تحکیم خانواده

یکی از اساسی‌ترین اهداف تشکیل خانواده، فرزندآوری و تربیت نسل صالح است. فرزند شایسته، خواسته طبیعی و فطری همه انسان‌ها است. از مهم‌ترین عوامل پرورش و تعالی فرزندان در خانواده، ابراز محبت و حمایت عاطفی پدر و مادر از فرزندان است. ویلیام گاردنر^۱ - متفکر غربی - در این زمینه می‌گوید: والدین در جایی که پای فرزندان خودشان در میان باشد، همواره تا مرز دیوانگی حامی آنها بوده‌اند. آنها به نحو قهرمانانه‌ای در برابر فرزندانشان شکیبایی به خرج می‌دهند، و اگر لازم باشد برای آنان می‌میرند. بدون چنین جانبداری‌هایی، به ویژه در سال‌های اولیه حیات کودک، پرورش کودکانی سالم و دارای امنیت عاطفی غیرممکن است (گاردنر، ۱۳۸۶، ص ۹۱). حمایت‌های خانواده نه تنها از سوی پدر و مادر بسیار اساسی است، بلکه حمایت‌ها و روابط عاطفی فرزندان با پدر و مادر و با یکدیگر می‌تواند نقش اساسی در اعتدال و شخصیت فرزندان داشته باشد. علاوه بر این، مسئله کمال‌خواهی، حتی می‌تواند باعث

1. William Gardner

افزایش جمعیت مسلمین شود (میکل و هانری، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۵۹۴). از آنجا که کودکان مطابق فطرت الهی، خداپرست و درست‌کردار به دنیا آمده‌اند؛ چنانچه در محیط تربیتی آنان رفتارهای مطابق آیین توحید باشد و والدین به وظایف خویش آشنا باشند، آنان نیز موحد و متقی خواهند شد. پس، والدین فقط مسئول تأمین نیازهای مادی خانواده نیستند؛ بلکه باید به فکر امور معنوی، دینی و اخلاقی آنها در جهت تحکیم خانواده نیز باشند. امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه به فرزندش می‌فرماید: «من نیز بر آن شدم، تو را با خوبی‌ها تربیت کنم؛ زیرا در آغاز زندگی قرار داری و نیتی سالم و روحی باصفا داری» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

۴-۲. بالندگی شخصیت

داشتن شخصیتی جذاب، ارزشمند و دارای عزت نفس بالا، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هر انسانی است. همه ما در آرزوی آن هستیم که جذاب، خاص، منحصر به فرد و دوست‌داشتنی به نظر برسیم و ممکن است برای رسیدن به این هدف، دست به هر کاری بزنیم؛ نرخ بالای مدرک‌داری، انجام اعمال جراحی زیبایی و تجمل‌گرایی از جمله روش‌های سختی است که بسیاری از افراد تلاش می‌کنند تا از طریق آنها بالنده‌تر و جذاب‌تر به نظر برسند. در حقیقت آنچه با مشکلات اساسی روبه‌رو است، واقعیت‌های بیرونی نیست، بلکه عدم برخورداری از عزت نفس کافی است. دوران کودکی، دوران تکوین شخصیت و دوران نوجوانی، دوران هویت‌یابی است و اگر در این دوران، فضای پیرامون کودک و نوجوان مطلوب بوده و از شرایط خوبی برخوردار باشد، رشد فکری و شخصیتی وی نیز مطلوب خواهد بود. کودکان، برکت زندگی و سرمایه‌های آینده جامعه به‌شمار می‌آیند. آنان برای رشد و بالندگی خود، نیازها و در مفهوم دقیق‌تر، حقوقی دارند که باید به درستی به آن پرداخت. با توجه به نقش بی‌بدیل خانواده در بالندگی شخصیت کودک، پیش از همه، خانواده و سپس جامعه باید این حقوق را به خوبی بشناسند و خود را مکلف به پاسداشت آن بدانند. روان‌شناسان معتقدند، محیط خانه اولین و بادوام‌ترین عامل در رشد شخصیت افراد یک خانواده است. اما امروزه جامعه و بلکه جامعه جهانی در شکل‌گیری شخصیت، نقش کلیدی و اساسی ایفا می‌کنند (شیرکرمی، ۱۳۹۶، ص ۲۹). شخصیت نقش‌سازنده و تأثیرگذاری در زندگی فردی و به خصوص زندگی اجتماعی انسان‌ها دارد؛ زیرا شخصیت منجر به تفاوت‌ها و تناقضاتی میان رفتارهای یک فرد و به شکل گسترده‌تر آن، یک گروه با دیگر افراد، یا گروه‌های فرهنگی در یک جامعه می‌شود (سروستان، ۱۳۹۸، ص ۹۴). امام علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «همانگونه که تو درباره خویشتن می‌اندیشی، نسبت به خودشان می‌اندیشند و تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند، انتخاب کنند» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

۳-۴-۴. شکوفایی استعدادها

در اسلام بیشترین دقت در تعاریف، به تربیت کردن انسان در جهت شکوفا شدن استعدادهایش و بالفعل نمودن آنها برمی‌گردد. البته بسیاری از خلیات و صفات پسندیده با الگوگرایی، الگوپذیری و همانندسازی در انسان‌ها پدید می‌آید و باعث رشد و کمال آدمیان می‌گردد. به همین جهت اسلام، تربیتی را صحیح می‌داند که استعدادهای درونی انسان را فعلیت بخشد و سبب شکوفایی و بالندگی ایشان شود و در نتیجه، او را به سعادت و کمال حقیقی برساند. در محیط خانواده مهم‌ترین نقش تربیتی با پدران و مادران است و این دو در کنار یکدیگر باید تلاش کنند جنبه‌های عاطفی و غریزی، عقلانی و معنوی فرزندان را مورد توجه قرار دهند و متناسب با شرایط روز آنان را تربیت نمایند.

والدین می‌بایست فرزندان خود را به رشد، طهارت، حیات طیب و پاک، بندگی خدا، داشتن تقوا و معنویت، داشتن تفکر و تعقل، تقویت حس مسئولیت‌پذیری و داشتن روحیه تعاون و صحت جسم و روح فراخوانند؛ و با فراهم کردن شرایط درست زندگی، فرزند را در مسیر کمال قرار دهند. اهمیت ازدواج از آن جهت است که نحوه برطرف شدن بسیاری از نیازهای انسان، از نیازهای ابتدایی مانند نیاز جنسی تا نیازهای سطح بالاتر مانند نیاز به امنیت، محبت، توجه، احترام و حتی خودشکوفایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرزندآوری و فرزندپروری آثار سودمند بسیاری در رشد معنوی، بروز استعدادهای والدین، رشد مادی، توسعه روابط اجتماعی، آرامش‌گری، احساس ارزشمندی و دیگر جنبه‌های مهم زندگی فرد را به همراه دارد. یکی از پیش‌نیازهای تربیت، دغدغه والدین نسبت به تربیت فرزندان است؛ زیرا آنان را نسبت به فرزند خویش مسئولیت‌پذیر می‌کند، به کسب آگاهی درباره تربیت فرزند وامی‌دارد و مانع از دست دادن فرصت‌ها برای تربیت فرزند می‌شود. دنیای مدرن امروز از عدم آرامش به شدت رنج می‌برد. ناآرامی و اضطراب، مشکلات روانی و عقده‌های روحی از بزرگ‌ترین گرفتاری‌های بشر امروز است که بخش عظیمی از آن ناشی از آسیب دیدن خانواده و تک‌زیستی انسان مدرن در بخش وسیعی از دوران زندگی است. بحران خانواده در غرب، جایگزینی تک‌زیستی و تجرد و هم‌جنس‌گرایی، متفکران آن دیار را به شدت نگران ساخته و در این مسیر تنها راه نجات، بازگشت به کانون مهر یعنی خانواده است (حقوق‌شناس، ۱۳۸۶، ص ۵۷۲).

آرامش بستر کمال انسان است. زندگی اجتماعی بدون سکون و آرامش قوام نمی‌گیرد. پیشرفت و پختگی علم و دانش و فناوری، در گرو آرامش انسان‌ها است. سازندگی ماندگار و آبادانی زمین که خدا از انسان مطالبه دارد، در صورت اضطراب و پریشانی انسان‌ها، خیالی بیش نیست. بنابراین، انسان برای پیشرفت چه در بُعد فردی و چه در بُعد اجتماعی، محتاج آرامش است و ازدواج، این آرامش را به او هدیه

می‌کند (جباران، ۱۳۹۲، ص ۴۴۰-۴۴۱). کودک از همان آغاز، ذخیره نامحدودی از توانایی‌ها و قابلیت‌ها را دارد. به گفته کانت^۱، هدف تربیت در دوره کودکی، توسعه استعدادهای انسان است (کانت، ۱۳۷۴، ص ۶۸). بنابراین، والدین و مربیان در این دوره باید ناظر به رفتارهای کودک باشند تا استعدادهای بی‌مانند او را بشناسند و سپس این ظرفیت‌ها را به مرحله ظهور برسانند. امام علی (ع) برای شکوفایی استعدادها، جهت کمال‌جویی در نامه ۵۳ می‌فرماید: «هرگز نباید نیکوکار و بدکار در نزد تو یکسان باشند؛ زیرا این موضوع، رغبت نیکوکار را در نیکی کم می‌کند و بدکار را به بدی وا می‌دارد؛ می‌بایست هر یک از ایشان را مطابق کارش جزا داد». ایشان در جایی دیگر خطاب به امام حسن (ع) می‌فرمایند: «قلب نوجوانان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود، پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۴-۴-۴. ارتقاء قابلیت اجتماعی

والدین با ایجاد تسهیلات برای حضور فرزندشان در محافل و مجامع اجتماعی نظیر مهمانی‌ها و گردش در پارک و فضای بازی، او را ابتدا با دیگران آشنا می‌کنند و سپس از طریق طرح پرسش و پاسخ در خصوص چگونگی تعامل با آنها، موقعیتی را می‌آفرینند تا فرزند به کسب مهارت‌ها و توانمندی‌های اجتماعی بپردازد. بدیهی است، آن دسته از والدین که دارای تحرک اجتماعی مطلوبی اند، بیش از سایرین می‌توانند این هدف تربیتی را محقق کنند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۰).

تربیت اجتماعی فرایندی عمومی، فراگیر و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها است. تربیت اجتماعی ماهیتی دینی و توحیدی دارد. درحقیقت، جامعه بر اثر پیوند میان افراد که مهم‌ترین آن پیوند دینی است، پدیدار می‌شود. از این‌رو ماهیت دینی و توحیدی اساسی‌ترین مبحث در تربیت اجتماعی به‌شمار می‌رود (سبحانی‌نژاد و رضایی فریمانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲). با توجه به بررسی‌های انجام شده در نهج البلاغه می‌توان گفت که دیدگاه امام علی (ع) راجع به تربیت اجتماعی، دیدگاه خدامحورانه است. ایشان به تربیت اجتماعی که انسان را به اصلاح رابطه‌اش با خدا و دیگران بکشاند، معتقد است. تربیت اجتماعی دین اسلام، تفاوت‌های اساسی و جدی با مکاتب فلسفی و جامعه‌شناختی دارد. به عبارتی دیگر، در تربیت اجتماعی اسلام هم به سرنوشت، تربیت و آینده فرد، و هم به تربیت و آینده اجتماع بشر بهاء داده می‌شود (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶، ص ۲۷). جان دیویی^۲ با ارزیابی جوامع پر آشوب کنونی اعتقاد دارد که زندگی

1. Kant

2. John Dewey

کاری دشوار، و مستلزم تعلیم و تربیت است. از این رو، هر کس می‌خواهد در جوامع کنونی به خوبی زندگی کند، باید از دو نوع قابلیت برخوردار گردد:

قابلیت اقتصادی: به اعتقاد وی، جامعه صنعتی بر مدار تخصص می‌گردد؛ آنگونه که هرکس در کاری متخصص نباشد، زندگی برای او دشوار خواهد بود. از این رو، یکی از وظایف آموزش و پرورش (خصوصاً والدین)، تأمین قابلیت اقتصادی افراد است.

قابلیت مدنی: جان در زمینه تعادل اجتماعی بر این باور است که پیچیدگی جوامع کنونی ایجاب می‌کند که هر کس برای اشتراک در زندگی اجتماعی، تعلیم و تربیت ویژه‌ای بیابد، تا به مدد آن، دارای ذهنی اجتماعی شود و بتواند به آسانی در حیات اجتماعی سهیم گردد؛ برای هم نوعانش سودمند و خوشایند باشد و از مصاحبت دیگران نیز لذت و فایده برد (دیویی، ۱۳۴۱، ص ۹۲-۹۳).

امام علی(ع) در خصوص تعاملات اجتماعی می‌فرماید: «همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها بهره‌شيطان است، آنگونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود». این عبارات حضرت نشانگر آن است که آدمی برای به دست آوردن منفعی که تنها در پرتو اجتماعی بودن به دست می‌آید، می‌بایست با اجتماع تعامل داشته باشد. همچنین توصیه امام علی(ع) به احسان و نیکی به نزدیکان و نیز حمایت آنها از انسان، به ویژه در حالت گرفتاری و پشامد، نمایانگر نیاز به زندگی در پرتو تربیت اجتماعی است. ایشان در حکومت خود این حق را که انسان در نظام هستی دارای ارزش ذاتی و واجد کرامت است، به رسمیت شناخته و در سیره حکومتی خویش به آن وفادار بودند. آن حضرت کارگزاران خود را به رعایت این اصل تذکر می‌دادند و سفارش می‌کردند که شهروندان حکومت علوی به دور از هر دین، آیین، گرایش و سلیقه و جدای از هر مرام و مسلکی، فقط و فقط به خاطر انسان بودن دارای حرمت و ارزش هستند.

۴-۵. توسعه ارتباطات انسانی

با تولد اولین فرزند، باب جدیدی در روابط انسانی والدین گشوده می‌شود و کانون خانواده و شعاع گرمابخش او، دایره امیدها و آرمان‌های والدین فزونی می‌یابد و از این پس سعادت فرزند، بخشی از آرزوهای پدر و مادر می‌گردد. در حقیقت، فرزندآوری نمودار تمایل والدین به جاودانگی است (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۳۷) و حیات اجتماعی، محصول ارتباط انسان‌ها است. به دیگر سخن، وجود حقیقی هر جامعه‌ای با پیدایش اولین شبکه روابط انسانی آغاز می‌شود و بر مبنای همین روابط بقای آن استمرار می‌یابد (ذاکر، ۱۳۸۱، ص ۲۶). اساس توسعه جوامع، توسعه انسان است و انسان نیز برای رشد و توسعه خود، نیاز به تربیت عقلانی دارد و این ارتباطات انسانی معقول است که با تربیت انسان‌ها، زندگی

شایسته و توأم با کامیابی رقم بخورد. کرامت انسان نیز آنجاست که انسان‌ها حق انسانیت را به درستی بجای آورند (بهشتی، ۱۳۸۴، ص ۶۱). پس، دستیابی به این تکامل در گرو تربیت صحیح است. رابطه انسانی موفق، رابطه‌ای است که تغییرات مطلوب را در فرد ایجاد می‌کند و بین دو نفر تفاهم لازم را به وجود می‌آورد. نخست والدین با کودک رابطه برقرار می‌کنند و سپس تعلیم و تربیت او آغاز می‌شود. داشتن رابطه انسانی و درست با کودک و نوجوان، حیاتی‌ترین مرحله کار و اثربخش‌ترین عامل موفقیت در تعلیم و تربیت او محسوب می‌شود.

مناسبات خانوادگی و روابط میان اعضای خانواده، زیرمجموعه‌ای از روابط انسانی است که در موفقیت‌ها و موقعیت‌های افراد سهمی بسزا دارد. نتایج برخی پژوهش‌ها در عرصه ارتباط انسانی بیانگر آن است که در عصر حاضر ۷۰ درصد از زمان بیداری انسان به ارتباطات اختصاص می‌یابد که از این میزان حدود ۴۲ درصد آن صرف شنیدن، ۳۲ درصد صرف گفتن، ۱۵ درصد صرف خواندن و ۱۱ درصد نیز صرف نوشتن می‌شود (عربیان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۸). از برخی پژوهش‌های دیگر چنین برمی‌آید که برخورداری از ارتباط انسانی مطلوب، ۸۵ درصد از نشاط و شادابی آدمی را تأمین می‌کند (فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۱). از این‌رو هیچ عامل تربیتی دیگری از این حیث همانند خانواده نیست. البته لزوماً رشد کمی نیز مؤید بهبود کیفیت نیست، ولی در شرایطی که کیفیت ارتباط انسانی مطلوب باشد، رشد کمیّت می‌تواند بر بهبود مناسبات میان افراد اثرگذار باشد. امام علی (ع) در ادامه نامه به امام حسن (ع) می‌فرماید: «نیکوکار باش، آنگونه که دوست داری به تو نیکی کنند، و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری، برای خود نیز زشت بشمار» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

۵. نتیجه‌گیری

خانواده به‌عنوان اولین خاستگاه و جایی که در آن، بخش عمده شخصیت و هویت هر فرد شکل می‌گیرد، نقشی محوری‌تر از مدرسه یا هر نهاد دیگری دارد. این خانواده است که می‌تواند با فراهم آوردن شرایط مناسب برای فرزند نوجوان خود، حمایت لازم را از او به عمل آورد و با دادن حس امنیت به وی و همچنین انتقال مفاهیم و ارزش‌های اساسی، او را در گذر از این سال‌های سرنوشت‌ساز همراهی کند. در نظام اجتماعی اسلام، نهاد خانواده، هسته اصلی تشکیل جامعه اسلامی است. تشکیل خانواده و تلاش برای این منظور نیز، مورد تأکید و تأیید است. از سوی دیگر، کمال‌خواهی انسان باعث می‌شود که کمال خود را در تأمین غریزه حبّ بقای انسان از طریق ادامه نسل و داشتن فرزندان دنبال کند. در نتیجه، با تولد فرزند و برآورده شدن این نیاز، خانواده کامل‌تر می‌گردد و وارد مرحله جدیدی می‌شود. همچنین وجود فرزندان موجب استحکام و شیرینی بیشتر زندگی و روابط زن و مرد می‌شود، و والدین از این طریق از لذت

مادری و پدری بهره‌مند می‌گردند. حس کمال‌خواهی باعث حمایت‌های عاطفی، فکری و مادی از فرزندان می‌شود که نظیری برای آن نمی‌توان یافت. در کشورهای غربی تحقیقات گسترده‌ای در مورد شیوه‌های فرزندپروری و پیامدهای آن صورت گرفته و بر آن اساس، سه شیوه فرزندپروری مطرح شده است: «فرزندپروری مقتدرانه»، «فرزندپروری سخت‌گیرانه» و «فرزندپروری سهل‌گیرانه». این طبقه‌بندی بر پاسخ‌دهی و تقاضاهای والدین مبتنی است. به طوری که روش تربیتی نهج‌البلاغه در راستای هدف نهایی تربیت انسان قرار دارد و بر مبنای توحیدمداری، ولایت‌مداری و محبت معصومان تنظیم شده است؛ که در نتیجه آن، فرزندان در مسیر صحیح تربیت قرار می‌گیرند و سرانجام به مقام کمال و قرب الهی دست می‌یابند که هدف نهایی آفرینش است. نهج‌البلاغه بر شیوه فرزندپروری خاصی تأکید می‌کند تا فرزند به درستی و در راستای فطرت و کمال خویش تربیت شود و شخصیت او در جنبه‌های مختلف روانی، عاطفی، فردی و اجتماعی به صورت هنجار رشد کند.

در این تحقیق با استفاده از روش تحلیل مضمون، داده‌های حاصل از بیانات امیرالمومنین(ع) در نهج‌البلاغه مفهوم‌سازی شدند. براساس این مفاهیم، «مضامین اولیه» مثل استواری، صداقت، یتیم‌سالم، خویش‌ن، شخصیت، آمادگی، پذیرش، استحقاق، آموزش، وفاق و ارتباط سازنده و «مضامین سازمان‌دهنده» مانند استحکام، تثبیت، تربیت، سرشت، منش، شایستگی، قابلیت، کمال، لیاقت، پیوستگی و مراوده به دست آمد. با ترکیب و ادغام مضامین سازمان‌دهنده نزدیک به هم، پنج مضمون فراگیر شامل تحکیم خانواده، بالندگی شخصیت، شکوفایی استعدادها، ارتقاء قابلیت‌های اجتماعی و توسعه ارتباطات انسانی با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه استخراج گردید.

- منابع -

نهج البلاغه.

- آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۹). مهارت‌های زندگی خانوادگی در آینه آیات و روایات. قم: دفتر نشر معارف.
- آیت‌اللهی، زهرا؛ نامجو، بتول؛ بداعی، فاطمه؛ سیاح، مونس (۱۳۹۹). دانش خانواده و جمعیت. قم: دفتر نشر معارف.
- برک، لورای (۱۳۸۱). روانشناسی رشد (از لقا تا کودکی). ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران، ج ۱.
- بهجت‌پور، عبدالکریم؛ رضائی اصفهانی، محمدعلی؛ کمالی، علیرضا (۱۳۸۶). تفسیر موضوعی قرآن. به کوشش علیرضا کمالی. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- بهشتی، احمد (۱۳۸۴). تربیت از دیدگاه اسلام. قم: ایران.
- بهشتی، سعید؛ افخمی اردکانی، محمدعلی (۱۳۸۶). تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه. تربیت اسلامی، ۲(۴)، ص ۳۹-۷.
- پناهی، علی احمد (۱۳۹۷). معرفی سبک فرزندپروری بامریند و ارزیابی آن با نگاهی به گزاره‌های اخلاقی- اجتماعی اسلامی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۴(۱۱۷)، ص ۱۳۴-۱۰۹.
- جباران، محمدرضا (۱۳۹۲). طلاق عاطفی. رتوشه راهیان نور، شماره ۱۱۶، ص ۴۳۰-۴۵۰.
- جهانگیرزاده، محمدرضا؛ صادقی سرشت، علی؛ شکری، حسن (۱۳۹۸). رابطه دینداری و کمال‌گرایی والدین با سبک فرزندپروری. اسلام و پژوهش‌های روانشناختی، ۵(۱۱).
- حق‌شناس، سید جعفر (۱۳۸۶). خانواده در اسلام. رتوشه راهیان نور، شماره ۷۳، ص ۵۷۱-۵۸۲.
- حکاک، محمد؛ جعفری، میثم؛ ویشلقی، مهدیه (۱۳۹۹). واکاوی استراتژی سکوت بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه. علوی، ۱۱(۲)، ص ۲۴-۳.
- خسروشاهی، قدرت‌الله؛ دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۷۸). فلسفه حقوق. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم.
- دیویی، جان (۱۳۴۱). دموکراسی و آموزش و پرورش. ترجمه امیرحسین آریان‌پور. تهران: موسسه انتشارات فرانکلین.
- ذاکر، علی (۱۳۸۱). اصول ارتباطات انسانی و روابط عمومی. روابط عمومی، شماره ۳۳، ص ۵۷-۴۷.
- رجبی، محمود (۱۳۸۰). انسان‌شناسی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سالاری فر، محمدرضا؛ موسوی اصل، مهدی؛ شجاعی؛ محمدصادق؛ دولت‌خواه، محمد (۱۳۹۴). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سبحانی، جعفر؛ محمدرضایی، محمد (۱۳۹۲). اندیشه اسلامی. قم: نشر معارف.
- سبحانی‌نژاد، مهدی؛ رضایی فریمانی، منیره (۱۳۹۰). ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع). پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۹(۱۳)، ص ۳۳-۹.
- سروستان، نرگس (۱۳۹۸). بررسی مفاهیم شخصیت و نظریه‌های مختلف مرتبط با آن. پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، ۲(۱۲)، ص ۹۲-۱۲۱.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۸). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شیرکرمی، جواد (۱۳۹۶). تحلیل رابطه دوسویه تربیت و اجتماع. ترویج علم، ۸(۱۳)، ص ۴۰-۲۳.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی الرابعه، ج ۷.

عربیان، رحیم (۱۳۸۰). *اندیشه‌های بشری و فرهنگ توسعه*. تهران: نشر کیفیت، ج ۱.
 فرنودیان، پریسا؛ اسدزاده، حسن؛ ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۹۲). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی و خودتنظیمی و مقایسه آن در دانش آموزان خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند. *پژوهش‌های کاربردی در علوم رفتاری*، شماره ۱۶.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۲). *ارتباطات انسانی (مبانی)*. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
 کانت، امانوئل (۱۳۷۴). *تعلیم و تربیت*. ترجمه غلامحسین شکوهی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). *جنگ علیه خانواده*. ترجمه معصومه محمدی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
 ماسن، هنری؛ کیگان، جروم، کانجر، جان جین؛ هوستون، آلتاکارول (۱۳۹۵). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعه الدرر اخبار الأئمه الاطهار*. بیروت: موسسه الوفاء، ج ۱۰۰، ۹۸.
 مداحی، فهیمه (۱۴۰۱). بررسی شیوه‌های فرزندپروری از دیدگاه نهج‌البلاغه. در: شیروان: چهاردهمین همایش ملی علمی-پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *اخلاق در قرآن*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۳.
 مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). *مجموعه آثار: فطرت*. قم: صدرا، ج ۳.
 میکال، آندره؛ هانری، لوهان (۱۳۹۳). *اسلام و تمدن اسلامی*. ترجمه حسن فروغی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ج ۲.

نصر، سید حسین (۱۳۸۶). *اسلام سنتی در دنیای متجدد*. ترجمه محمد صالحی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهرودی.

توضيح وتأثير الكمالية في أسلوب تربية الأبناء مع التركيز على تعاليم النهج البلاغة

أصغر رجبي دهبرزوى

الأستاذ المحاضر، قسم المعارف، فرع طهران الشمالي، الجامعة الإسلامية الحرة، طهران، إيران. a.rajabi@iau-tnb.ac.ir

الملخص

يهدف البحث الحالي إلى دراسة تأثير الكمالية على أسلوب تربية الأبناء، مع التركيز على تعاليم النهج البلاغة. باستخدام أسلوب تحليل المضمون، تم تفسير البيانات المستمدة من أقوال أمير المؤمنين (ع) في النهج البلاغة. استناداً إلى هذه المفاهيم، تم الحصول على المواضيع الأساسية (الاستقامة، الصدق، النية الصالحة، الاعتناء بالذات، الشخصية، الاستعداد، القبول، الجدارة، التعليم، الوفاق، العلاقات البتاءة)، والمواضيع المنظمة (التماسك، التأصيل، التربية، السلوك، البنية، الكفاءة، القابلية، الكمال، اللياقة، الاستمرارية، التفاعل). من خلال دمج وتوحيد المواضيع المنظمة، تم استخراج خمسة مواضيع شاملة تشمل تعزيز الأسرة، تطوير الشخصية، استثمار المواهب، تعزيز القدرات الاجتماعية، وتطوير العلاقات الإنسانية مع التركيز على تعاليم النهج البلاغة.

الكلمات الرئيسية: العلاقات البشرية، الشخصية، الأسرة، تربية الأطفال، الكمالية، نهج البلاغة، الإمام علي (ع).

Elucidation and Impact of Perfectionism on Parenting Style with Emphasis on the Teachings of Nahj al-Balagha

Asghar Rajabi deh Barzoui^{ID}

Assistant Professor, Department of Education, North Tehran Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran. a.rajabi@iau-tnb.ac.ir

Abstract

The present research aims to examine the influence of perfectionism on parenting style, with an emphasis on the teachings of Nahj al-Balagha. Using the content analysis method, the data obtained from the statements of Imam Ali (AS) in Nahj al-Balagha were conceptualized. Based on these concepts, primary themes (steadfastness, honesty, sincere intention, self, personality, readiness, acceptance, entitlement, education, concordance, constructive communication) and organizing themes (strength, consolidation, upbringing, disposition, nature, competency, capability, perfection, eligibility, continuity, interaction) were obtained. By combining and integrating the organizing themes closely, five comprehensive themes were extracted, including strengthening the family, personal character development, talent blossoming, enhancement of social skills, and development of human relationships, with an emphasis on the teachings of Nahj al-Balagha.

Keywords: Human Relationships, Personality, Family, Parenting, Perfectionism, Nahj al-Balagha, Imam Ali (AS).

Received: 2022/11/21 ; **Revision:** 2022/12/16 ; **Accepted:** 2022/12/31 ; **Published online:** 2023/03/23

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

Article type: Research Article
© the authors

